

رفتار قراردادی اختصاصی شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در

سرمایه‌گذاری‌های برون مرزی

دکتر حمید رضا نیکبخت*

مونا آقاسید جعفر کشفی**

چکیده

رفتار قراردادی شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در رقابت بر سر به دست آوردن منابع نفت و گاز در سطح جهان از بعضی جهات از رفتار قراردادی شرکت‌های بین‌المللی نفتی متفاوت است. شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در قراردادهای سرمایه‌گذاری‌های خود حاضر به پذیرش شرایطی با مطلوبیت کمتر برای خود و مطلوبیت بیشتر برای طرف مقابل هستند. آنها همچنین انعطاف‌پذیری بیشتری در برآورده ساختن نیازهای گوناگون کشورهای طرف مقابل (دارنده منابع نفت و گاز)، از جمله فعالیت‌های نفتی پایین دستی آن کشورها، از خود نشان می‌دهند. این عوامل می‌توانند باعث شوند که دولت‌های کشورهای دارنده منابع نفت و گاز، شرکت‌های ملی نفتی کشور چین را به شرکت‌های نفتی بین‌المللی ترجیح دهند.

از دلایل اصلی چنین رفتار قراردادی وظیفه شرکت‌های ملی نفت کشور چین در تحقق

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانش‌آموخته دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، و مرکز حقوق و سیاست نفت و انرژی دانشگاه داندی کشور انگلستان. دانشجوی دکترای حقوق نفت و گاز دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

سیاست‌های دولت چین در اموری مانند مشارکت و کسب سود مطلوب در صنعت نفت و گاز بین‌المللی، و تضمین امنیت لازم برای تأمین انرژی داخلی است. با توجه به افزایش نیاز این کشور به واردات نفت از دهه ۱۹۹۰ و واردات گاز از سال ۲۰۰۶ اولویت اصلی این شرکت‌ها تأمین امنیت موجودی‌های نفت و گاز آن کشور از طریق سرمایه‌گذاری‌های برون مرزی می‌باشد. دلیل دیگر برای چنین رفتار قراردادی اهداف شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در جبران عقب ماندگی از شرکت‌های نفتی بین‌المللی در زمینه‌های دسترسی به منابع نفت و گاز جهانی، حسن شهرت، و دانش و تجربه می‌باشد. این گونه دلایل به علاوه حمایت مالی دولت چین از این شرکت‌ها موجب گردیده است تا شرکت‌های ملی نفتی کشور چین با شرایط قراردادی تقریباً منحصر به فرد در صحنه رقابت بین‌المللی ظاهر گردند.

کلید واژگان

قراردادهای نفت و گاز، فعالیت‌های بالا دستی و پایین دستی، شرکت‌های ملی نفتی کشور چین، نرخ بازگشت سود به سرمایه، شرکت‌های بین‌المللی نفتی.

مقدمه

اقتصاد کشور چین از زمان شروع اصلاحات اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۸۰ رو به رشد نهاد. اما منابع ملی نفت و گاز این کشور برای تقاضای داخلی کافی نبود. بنابراین از سال ۱۹۹۲ مشارکت در پروژه‌های انرژی فرا سرزمینی و تشکیل شرکت‌هایی در خارج از کشور به این منظور امری ضروری برای کشور چین تلقی گردید. در واقع سال ۱۹۹۲ آغاز یک دوره جدید در رفتار این کشور محسوب می‌شود زیرا، نه تنها آخرین سالی بود که کشور چین صرفاً صادر کننده نفت و گاز بود بلکه اولین سالی بود که در آن یک شرکت ملی چینی (سی ان پی سی) در منابع نفتی بین‌المللی سرمایه‌گذاری کرد. در واقع در سال ۱۹۹۲ دولت چین و شرکت‌های ملی نفت آن کشور بر خود ضروری دانستند که حساسیت مسئله امنیت تأمین انرژی از فرای مرزهای سرزمینی خود را مورد توجه قرار دهند.^۱

شرکت‌های ملی نفتی کشور چین، به‌خصوص در اوایل دوران فعالیت‌های برون مرزی‌شان، در اکتشاف و تولید منابعی سرمایه‌گذاری کرده‌اند که به علت ناکافی بودن عواید سرمایه‌گذاری، مورد توجه شرکت‌های بین‌المللی نفتی قرار نگرفته‌اند. با این وجود به تدریج گرایش شرکت‌های ملی نفتی کشور چین تغییر یافته است، آنها آموخته‌اند که تمرکز بر روی پروژه‌های اکتشافی در نواحی که نفت خیز بودن آنها اثبات نشده بیش از حد پر مخاطره و بدون سود است. بنابراین آنها به أخذ سهم در بلوک‌های اکتشافی که به احتمال زیاد به تولید منجر می‌شوند و یا بلوک‌هایی که قبلاً به بهره‌برداری رسیده‌اند و یا تملک شرکت‌هایی که دارنده این منابع هستند پرداخته‌اند.^۲ همچنین شرکت‌های ملی نفت

1. Andrews-Speed, Philip, and Dannreuther, Roland, China, Oil and Global Politics, (United Kingdom, Routledge, 2011), p. 4.

2. Wu, Kang, "China's Overseas Oil and Gas Investment: Motivations, Strategies, and Global Impact", Oil, Gas & Energy Law Intelligence (OGEL), 2008, Vol. 6 No.1, p. 2.

کشور چین در سال‌های اخیر فعال‌تر از شرکت‌های بین‌المللی نفتی در زمینه فعالیت‌های ادغام و تملک بوده‌اند.^۳ از سوی دیگر، شرکت‌های ملی نفتی کشور چین ممکن است فعالیت‌های پایین‌دستی در کشورهایی را برعهده بگیرند که شرکت‌های بین‌المللی نفتی به علت سودآوری پایین تمایلی به مشارکت در آنها ندارند.^۴

از سال ۱۹۹۲ شرکت‌های ملی نفتی کشور چین توانسته‌اند بیش از ۷۰ پروژه سرمایه‌گذاری در میدان‌های نفتی در بیش از ۳۰ کشور جهان به دست بیاورند.^۵ گسترش فعالیت‌های شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در سطح جهان از زمان اجرای برنامه دولت چین در خصوصی سازی جزئی شرکت‌های مزبور آغاز شد. چنین خصوصی سازی از یک سو منجر به بهبود قابل توجهی در عملکرد این شرکت‌ها شده و از سوی دیگر دولت چین همچنان سهام‌دار عمده و کنترل‌کننده اصلی این شرکت‌ها باقی مانده است.^۶ تا سال ۲۰۰۷ سرمایه‌گذاری‌های برون مرزی شرکت‌های ملی نفتی کشور چین متمرکز در خاورمیانه،

3. Paik, Keun W., et al, "Trends in Asian NOC Investment Abroad", 2007, at www.chathamhouse.org.uk/files/6427_r0307anoc.pdf (Last visited on 2 February 2012).

4. Kobayashi, Yoshikazu, "Chinese NOCs Corporate Strategies", 2008, at <http://eneken.ieej.or.jp/en/data/pdf/464.pdf> (Last visited on 28 April 2011).

5. Green, Jonathan, "The Rise of National Oil Companies and Their Challenge to International Oil and Gas Companies", International Pipeline & Offshore Contractors Associations (IPLOCA) annual conference 2007, at <http://www.iploca.com/platform/content/element/311/Green.pdf> (Last visited on 10 May 2011).

6. Wolf, Christian and Pollitt, Michael G., "Privatizing National Oil Companies: Assessing the Impact on Firm Performance", at http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1088327 (Last visited on 1 June 2011).

آسیای مرکزی و آفریقا بود.^۷ اما پس از آن این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری‌های خود را به قاره آمریکا نیز گسترش داده‌اند.^۸ بحران مالی سال ۲۰۰۸ و کاهش قیمت نفت فرصت خوبی برای شرکت‌های مزبور، که دارای منابع مالی قوی و پول نقد هستند، فراهم آورد تا نه تنها تملک منابع نفت و گاز برون مرزی را گسترش دهند بلکه به تملک سهام و یا ادغام با شرکت‌های نفتی غیر چینی که دارایی‌های آنها از لحاظ استراتژیک حائز اهمیت هستند نیز پردازد.^۹

هدف از نگارش این مقاله مطالعه موردی و تحلیل دلایل زیربنایی رفتار قراردادی اختصاصی شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در فعالیتهای برون مرزی آنان می‌باشد. اهمیت این مطالعات از یک طرف به دلیل گسترش چشمگیر فعالیتهای برون مرزی شرکت‌های ملی نفتی کشور چین می‌باشد که از آغاز دهه ۹۰ شروع شد به طوری که آنها در رقابت بر سر منابع نفتی برون مرزی نه تنها از شرکت‌های ملی نفتی دیگر کشورها بلکه حتی در برخی موارد از شرکت‌های بین‌المللی نفتی نیز پیشی گرفته‌اند؛ از طرف دیگر راهنمایی است که برای سایر کشورها و شرکت‌های ملی نفتی در کشورهای مشابه از جمله

7. Mu, Yang and Song, Teng S., "Chinese Overseas Direct Investment", 2007, at www.eai.nus.edu.sg/BB340.pdf (Last visited on 15 May 2011).

8. Andrews-Speed, Philip, "China's National Oil Companies Build Their Presence in North and South America", 2010, at <https://my.dundee.ac.uk/webapps/portal/frameset.jsp> (Last visited on 23 July 2011).

9. The Deloitte Centre for Energy Solutions New Report Reviews, "Chinese NOCs Continue M&A Trend, Full Speed Ahead", 2010, at http://www.deloitte.com/view/en_US/us/industries/oilgas/e7_d086_bfea5f2210VgnVCM100000ba42f00aRCRD.htm (Last visited on 10 May 2011).

کشورمان ایران از آن ناشی می‌شود.

این مقاله برای بررسی رفتار قراردادی شرکت‌های ملی نفتی کشور چین، از سه قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول به‌طور اجمالی شرکت‌های عمده نفتی در کشور چین و جهان، و همچنین انواع قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز معرفی می‌شوند؛ در قسمت دوم، به مقایسه رفتار قراردادی شرکت‌های بین‌المللی نفتی و شرکت‌های ملی نفتی کشور چین پرداخته می‌شود؛ و در قسمت سوم، دلایل بنیادین این گونه رفتارها تبیین و تحلیل می‌گردند. مقاله با نتیجه‌گیری خاتمه می‌یابد.

قسمت اول: شرکت‌های عمده نفتی در کشور چین و جهان و انواع قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز

الف) شرکت‌های عمده نفتی در کشور چین و جهان

در دهه ۱۹۹۰ به منظور تأمین نیاز رو به رشد کشور چین به واردات نفت، اصلاحات در بازار داخلی نفت کشور چین انجام گرفت، به موجب این اصلاحات ساختار شرکت‌های نفتی اصلی کشور چین به منظور ایجاد ائتلاف عمودی^{۱۰} که در بردارنده فعالیت‌های بالادستی و پایین‌دستی باشد تغییر پیدا کرد و سایر شرکت‌های کوچک نفتی در آن کشور منحل شدند.^{۱۱}

اکنون در کشور چین سه شرکت نفتی اصلی وجود دارد که در سطح بین‌المللی در

۱۰. ائتلاف عمودی به این معنا است که شرکتی که قبلاً تنها به یکی از فعالیت‌های بالادستی یا پایین‌دستی می‌پرداخته است هم اکنون قادر به انجام هر دوی این فعالیت‌ها می‌باشد و به این ترتیب کلیه اقدامات مربوط به نفت از زمان اکتشاف و استخراج تا زمان بازاریابی و فروش را خود بر عهده دارد.

11. Executive Research Associates (ERA) Report, "The Emerging Chinese Energy Challenge in Africa - Towards a New Energy Policy", Oil, Gas & Energy Law Intelligence (OGEL), 2008, Vol. 6, p. 6.

حال فعالیت هستند. آنها عبارتند از: شرکت ملی نفت کشور چین (سی ان پی سی)^{۱۲}، شرکت ملی پتروشیمی کشور چین (سای نوپک)^{۱۳}، و شرکت ملی حفاری نفت فراساحلی کشور چین (سی نوک)^{۱۴}. از این پس در این تحقیق هرگاه عبارت شرکت‌های ملی نفتی کشور چین به کار برده شود، این سه شرکت منظور می‌باشد. توضیح مختصری راجع به هر یک از این سه شرکت به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

۱. شرکت ملی نفت کشور چین (سی ان پی سی)

بزرگ‌ترین شرکت ملی نفت کشور چین می‌باشد، اولین شرکتی بود که در کشور چین به فعالیت‌های اکتشاف و تولید نفت پرداخت. در اوایل دهه ۱۹۹۰ فعالیت‌های برون مرزی خود را آغاز نمود. هم اکنون سهام این شرکت در بازار بورس نیویورک و هنگ کنگ خرید و فروش می‌شود. این شرکت از سال ۱۹۹۸- پس از انجام تبادل اموال نفتی^{۱۵} با شرکت سای نوپک- کلیه فعالیت‌های بالادستی و پایین‌دستی را انجام می‌دهد. فعالیت‌های این شرکت شامل فعالیت‌های بالادستی (اکتشاف، توسعه و تولید) و پایین‌دستی (بازاریابی، فروش و پتروشیمی) نفت و گاز، و همچنین فعالیت‌های خدماتی مربوط به آن صنعت- از جمله ساخت تأسیسات^{۱۶}، لرزه نگاری مرتبط با اکتشاف و نگاربرداری^{۱۷}، حفاری^{۱۸}، و

۴

12. China National Petroleum Corporation (CNPC).

13. China National Petro-Chemical Corporation (Sinopec Group).

14. China National Offshore Oil Corporation (CNOOC).

۱۵. اموال نفتی یا Oil Assets همان کنترل یک شرکت نسبت به ذخایر نفتی در پروژه‌های گوناگون است که بر اساس آن منافع عاید آن شرکت می‌شود.

16. Construction.

۱۷. "لرزه نگاری [Seismic Exploration] یک روش اکتشاف است که در آن انرژی موج کش‌سان با صوت درون زمین قرار داده می‌شود و انرژی بازتابیده از لایه‌های سنگ زیرزمینی ثبت می‌شود (بررسی

تعمیر چاه^{۱۹} است. سی ان پی سی امروزه چهارمین شرکت - در رده‌بندی شرکت‌های نفتی بر حسب مالکیت منابع نفت و گاز در سطح بین‌المللی - است.^{۲۰}

در سال ۱۹۹۹، سی ان پی سی به میزان دو سوم ارزش اموال شرکت را به یک شرکت جدید به عنوان شرکت فرعی خود - پترو چاینا با مسئولیت محدود^{۲۱} - منتقل ساخت. امروزه پترو چاینا بزرگ‌ترین شرکت فرعی در گروه سی ان پی سی می‌باشد و در بورس هنگ‌کنگ و نیویورک به ثبت رسیده است.^{۲۲} شایان ذکر است که سی ان پی سی در پروژه‌های نفت و گاز در ایران از جمله میدان‌های آزادگان شمالی^{۲۳}، آزادگان جنوبی^{۲۴}، و

بازتابش) یا انرژی انکساری که از درون لایه‌های سنگ حرکت می‌کند به ثبت می‌رسد (بررسی انکساری). نگاربرداری [Logging] یا چاه پیمانی یا عملیات ثبت ویژگی‌های چاه، روش یا فنی است که سازنده‌های زیرین را با توجه به مغزه‌های زیرین در گمانه‌ها تعیین می‌کند. "علی اکبر، رحمانی؛ فرهنگ واژگان نفت و گاز، جلد ۲ و ۳، تهران، آفتاب اندیشه، ۱۳۸۸.

18. Drilling.

۱۹. "تعمیر یا کار مجدد چاه [Work Over] اصطلاح عمومی برای هرگونه عملیات چاه سازی، بر روی چاه تکمیل شده، که طراحی شده تا تولید از چاهی که در حال حاضر تولید می‌کند اعاده شود یا بهبود یابد. تعمیر می‌تواند شامل تحریک چاه شود ولی تعمیر روزمره و تعمیر و نگهداری را که عموماً جزء خدمات رسانی به چاه است در بر نمی‌گیرد." علی اکبر، رحمانی؛ پیشین، جلد ۳.

20. About CNPC at www.cnpc.com.cn/en/aboutcnpc/cnpcataglance/ (Last visited on 15 October 2011).

21. PetroChina Company Limited (PetroChina).

22. Ibid.

۲۳. روزنامه‌های خبر و کیهان، قرارداد توسعه میدان آزادگان شمالی بین ایران و چین امضا شد، ۲۶ دی سال ۱۳۸۷.

۲۴. روزنامه سرمایه، بزرگ‌ترین میدان نفتی کشف شده جهان در ۳۰ سال اخیر به چین رسید، ۷ مهر سال ۱۳۸۸.

فاز ۱۱ پارس جنوبی^{۲۵} فعال بوده است.

۲. شرکت ملی پتروشیمی کشور چین (سای نوپک)

این شرکت پس از سی ان پی سی بزرگ‌ترین شرکت ملی نفتی در کشور چین است، که در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد و در ابتدا مسئول کلیه فعالیت‌های پایین‌دستی از جمله تصفیه، بازاریابی و پتروشیمی بود. در سال ۱۹۹۸، به موجب تبادل اموالی که بین این شرکت و شرکت سی ان پی سی انجام گرفت، سای نوپک نیز فعالیت‌های بالادستی خود را آغاز کرد. فعالیت‌های برون مرزی سای نوپک از سال ۲۰۰۲ آغاز شد و لذا از این لحاظ از سی ان پی سی فاصله زیادی دارد. سهام این شرکت نیز در بورس نیویورک و هنگ کنگ خرید و فروش می‌شود.^{۲۶} شایان ذکر است که سای نوپک در میدان‌های نفتی در ایران از جمله میدان نفتی یادآوران^{۲۷} فعال بوده است.

۳. شرکت ملی حفاری نفت فراساحلی کشور چین (سی نوک)

این شرکت شرکتی تخصصی در زمینه اکتشاف و تولید فراساحلی نفت^{۲۸} است، که از زمان تأسیس خود در دهه ۱۹۸۰ به‌طور نزدیکی با شرکای خارجی فعالیت کرده است. با این وجود به عنوان یک تازه وارد به این عرصه فعالیت خود را به‌طور خاص متمرکز بر

۲۵. خبرگزاری مهر، جزئیات قرارداد ۵ میلیارد دلاری شرکت ملی نفت ایران و شرکت CNPC چین برای توسعه بخش بالادستی فاز ۱۱ پارس جنوبی اعلام شد، ۱۵ خرداد سال ۱۳۸۸.

26. Lewis, Steven W, "Chinese NOCs and World Energy Markets: CNPC, Sinopec and CNOOC", 2007, p. 11, at www.rice.edu/energy/publications/docs/NOCs/Papers/NOC_CNOOC_Lewis.pdf (Last visited on 27 May 2011).

۲۷. روزنامه سرمایه، توسعه میدان یادآوران، ۲ مهر سال ۱۳۸۸.

28. Offshore Exploration and Production (E&P).

ادغام و تملک^{۲۹} به منظور گسترش فعالیت‌های برون مرزی نموده است. این شرکت نیز در بورس هنگ کنگ و نیویورک به ثبت رسیده است.^{۳۰} شایان ذکر است که سی نوک در میدان گازی پارس شمالی^{۳۱} در ایران نیز فعالیت داشته است.

در سال ۱۹۹۹ سه شرکت فوق‌الذکر هر کدام اقدام به تأسیس یک شرکت فرعی کردند. در ابتدا سهام شرکت‌های فرعی به‌طور کامل به شرکت‌های مادر تعلق داشت. سپس با درک بهتری که از عرف و قواعد بین‌المللی به دست آمد شرکت‌های مزبور وارد عرصه سرمایه‌گذاری بین‌المللی شدند و قسمتی از سهام ۳ شرکت فرعی، از طریق فروش در بورس اوراق بهادار خارجی، خصوصی گردیده و اسامی آنها وارد بورس اوراق بهادار لندن، هنگ کنگ و نیویورک گشت.^{۳۲}

در مورد شرکت‌های نفتی عمده بین‌المللی باید گفت که هفت خواهران^{۳۳}، به خصوص در دهه ۵۰ و ۶۰، کنترل عمده منابع نفت در سطح جهان را در دست داشته‌اند و تحت عنوان غول‌های نفتی^{۳۴} از آنها یاد می‌شده است. در واقع تاریخ اوج‌گیری صنعت نفت جهان، به ظهور این شرکت‌ها پیوند خورده است و آنها ظرف چند دهه، به عنوان مهم‌ترین بازیگران بازار نفت جهان به ایفای نقش پرداخته‌اند. البته این شرکت‌ها دوره پر فراز و

29. Mergers & Acquisitions (M&A).

30. Ma, Xin, and Andrews-Speed, Phillip, "The Overseas Activities of China's National Oil Companies: Rationale and Outlook", Minerals and Energy, 2006, Vol.21, p. 23.

۳۱. خبرگزاری مهر، قرارداد توسعه میدان نفتی آزادگان شمالی بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت "سی.ان.پی.سی" به ارزش تقریبی یک میلیارد و ۷۶۰ میلیون دلار به امضا رسید، ۲۵ دی سال ۱۳۸۷.

32. Ma, Xin, National Oil Company Reform from the Perspective of its Relationship with Governments: The Case of China, (PHD thesis submitted to Centre for Energy, Petroleum and Mineral Law and Policy, University of Dundee, 2008), pp. 43-4.

33. Seven Sisters.

34. Oil Majors.

نشیبی از ادغام و تجزیه شدن را پشت سر گذاشته‌اند و امروزه ۴ شرکت عمده نفتی دنیا میراث آنها می‌باشند، این شرکت‌ها عبارتند از:

۱. **شرکت استاندارد اویل** در سال ۱۸۷۰ در نیوجرسی آمریکا تأسیس شد، در سال ۱۹۷۲ به شرکت اکسون تغییر نام یافت و پس از ادغام با شرکت موبیل در سال ۱۹۹۹ نام "اکسون موبیل"^{۳۵} را پیدا کرد و امروزه بزرگ‌ترین شرکت نفتی جهان به‌شمار می‌رود.
 ۲. **رویال داج شل**^{۳۶} که شرکتی انگلیسی و هلندی بوده و در سال ۱۹۰۷ تأسیس شد هنوز هم به فعالیت خود با نام شرکت شل ادامه می‌دهد.
 ۳. **شرکت نفت ایران و انگلیس** بر پایه قرارداد دارسی از ابتدا با تسلط بر ذخایر نفتی ایران در سال ۱۹۰۹ پدید آمد و پس از ملی شدن نفت در ایران به شرکت بریتیش پترولیوم^{۳۷} تغییر نام داد.
 ۴. **شرکت تگزاکو**^{۳۸} که در سال ۱۸۷۹ در کشور آمریکا تأسیس شد این شرکت در سال ۲۰۰۱ با شرکت شورون ادغام شد تا شرکت "شورون تگزاکو"^{۳۹} امروزی پدید آید.^{۴۰}
- آنچه که امروز به عنوان شرکت‌های بین‌المللی نفتی^{۴۱} یا همان شرکت‌های چند ملیتی

35. ExxonMobil.

36. Royal Dutch Shell.

37. British Petroleum (BP).

38. Texaco.

39. Chevron Texaco.

۴۰. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: سعید، میر ترابی؛ مسائل نفت ایران، تهران، نشر قومس، چاپ اول ۱۳۸۴، صص ۲۳۰-۲۲۴؛ و همچنین

Horsnell, Paul, "Oil Company Histories", Journal of Energy Literature, 3-31, 1999, Vol. 2.

41. International Oil Companies (IOCs).

نفتی^{۴۲} که غیر دولتی بوده و معمولاً سهام آنها به‌طور عمومی در بازار بورس خرید و فروش می‌شود - در سرتاسر جهان فعالیت داشته شناخته می‌شود همان ۴ شرکت فوق‌الذکر به‌علاوه شرکت‌های کونکوفیلیپس^{۴۳} (در سال ۲۰۰۲ در ایالت تگزاس آمریکا تأسیس شد) و توتال^{۴۴} (در سال ۱۹۲۴ در کشور فرانسه تأسیس شد)، می‌باشد.^{۴۵}

ب) انواع قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز

در انواع مختلف قراردادهای بین‌المللی، سیستم‌های متعددی برای تعیین درآمد دولت میزبان و شرکت سرمایه‌گذار خارجی وجود دارد، توضیح مختصری راجع به انواع عمده قراردادهای نفتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

• **قرارداد امتیازی^{۴۶}:** در این قراردادها به‌طور سنتی معمول حق امتیاز یا بهره مالکانه و مالیات به صورت مقطوع و مشخص^{۴۷} پرداخت می‌شده است لیکن در قراردادهای امتیازی تعدیل شده پس از دهه ۵۰ میلادی حق امتیاز یا پاداش به عنوان درصد معینی از ارزش تولید در زمان اجرای قرارداد یا در فواصل زمانی معین حین عملیات

42. Transnational Oil Companies.

43. ConocoPhillips.

44. Total.

۴۵. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Jaffe, Amy M., Wilson, Wallace S., and Soligo, Ronald, "The International Oil Companies", 2007, p. 10, at www.rice.edu/energy/publications/docs/NOCs/Papers/NOC_IOCs_Jaffe-Soligo.pdf (Last visited on 4 February 2012); and Ranking the World's Top Oil Companies, (Petroleum Intelligence weekly, Inc. and Price Waterhouse, 1997.

46. Concession Agreement.

47. Lump Sum.

توسعه و تولید تعیین و تعریف شده و از سوی شرکت نفتی به دولت پرداخت می‌گردد. پرداخت بهره مالکانه معادل درصد معینی از ارزش نفت و گاز تولید شده یا در شکل پرداخت درصدی از تولید نفت و گاز خواهد بود. به عبارت دیگر ممکن است پرداخت به شکل اختصاص مقادیر فیزیکی از تولید نفت و گاز که با واحد پول معینی ارزش گذاری می‌شود صورت گیرد. در این قرارداد شرکت نفتی مکلف است علاوه بر مخارج مربوط به اکتشاف، توسعه و تولید (بدون انتظار بازپرداخت) به پرداخت مالیات‌های مختلف شامل مالیات بر درآمد اقدام نماید. به علاوه در برخی کشورها از قبیل انگلستان، استرالیا و ترینیداد مالیات‌های ویژه‌ای بر عواید نفتی وضع شده است.^{۴۸}

• **قرارداد مشارکت در تولید^{۴۹}:** در سطح بین‌المللی امروزه متداول‌ترین روش قراردادی بین شرکت‌های نفتی و کشورهای تولیدکننده نفت و گاز به منظور فعالیت در صنعت نفت است، به موجب این نوع قرارداد تنها امتیاز کشف و توسعه و تولید ذخایر به پیمانکار اعطا می‌گردد و دولت ملی مالکیت مخازن و ذخایر را از دست نمی‌دهد. گرچه محتوا و شکل دقیق قراردادهای مشارکت در تولید در کشورهای مختلف (حتی در داخل یک کشور) تفاوت دارد اما به‌طور کل می‌توان گفت در این قراردادها سهم هر یک از دولت میزبان و شرکت نفتی از نفت تولید شده به صورت یک درصد از پیش توافق شده معین می‌گردد تا پس از جبران هزینه‌های شرکت نفتی^{۵۰} در عملیات اکتشاف و توسعه پرداخت گردد. همچنین مالیات بر درآمد شرکت نفتی نیز در این نوع قراردادها لحاظ

۴۸. ناصر، فرشاد گهر؛ سیری در قراردادهای نفتی در ایران، تهران، پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۱، صص ۶-۲۳۵ و مسعود، زهدی؛ روش‌های مالی و حسابداری در قراردادهای بین‌المللی صنعت نفت و گاز بخش بالادستی، جلد سوم، تهران، انتشارات نویسندگان نیلوفر، چاپ اول ۱۳۸۸، صص ۱۹-۱۸.

49. Production Sharing Contracts (PSC).

50. Cost Recovery.

می‌گردد.^{۵۱} در مورد درصد تقسیم تولید که معمولاً در طی مذاکرات پیش از قرارداد تعیین می‌گردد به‌طور عمده دو نوع سیستم وجود دارد: در نوع اول سهم دولت میزبان و شرکت نفتی به صورت یک درصد قطعی به‌طور دقیق مشخص می‌گردد مثلاً: ۶۰٪ سهم دولت میزبان و ۴۰٪ سهم شرکت نفتی بدون در نظر گرفتن نوسانات قیمت نفت در بازار. ایرادی که به این سیستم وارد می‌شود این است که برای دولت میزبان امکان تحصیل سود بیشتر در صورت بالا رفتن قیمت نفت وجود ندارد مگر آنکه دولت مزبور به‌طور یک‌جانبه دست به تغییر شرایط قرارداد زند که طبیعتاً منجر به ادعای نقض قرارداد از سوی شرکت نفتی سرمایه‌گذار می‌شود. در روش دوم تقسیم سود که سیستمی انعطاف‌پذیر^{۵۲} است مقرر می‌گردد که در صورت افزایش میزان تولید نفت و یا قیمت نفت سهم بیشتری به دولت میزبان تخصیص یابد.^{۵۳} پس از اتمام مرحله تقسیم سود، سهم شرکت نفتی مشمول مالیات قرار خواهد گرفت در این حالت درصد مالیات ثابت همان معایب درصد سود ثابت را دارد لیکن در صورت درج سیستم مالیاتی انعطاف‌پذیر در صورت افزایش قیمت‌ها سود بیشتری عاید دولت میزبان می‌گردد. البته شرکت‌های نفتی سرمایه‌گذار تمایلی به پذیرش سیستم اخیر (سیستم انعطاف‌پذیر) نداشته و در مذاکرات خود در این جهت تلاش می‌کنند.^{۵۴}

51. Duval, C., et al., International petroleum exploration and exploitation agreements: legal, economic and policy aspects (New York, USA: Barrows, second edition 2009), p.10.

52. Progressive sliding scale.

53. Le Leuch, Honore, et al., Contractual flexibility in new petroleum investment contracts, in Beredjick, Nicky and Walde, Thomas (eds), Petroleum investment policies in developing countries, (London, United Kingdom: Graham & Trotman, first edition 1988), p.18.

54. Bindemann, Kirsten, Production Sharing Agreements: An Economic Analysis, (Oxford, Oxford Institute for Energy Studies, WPM 25, 1999), p.p.85-6.

- **قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری**^{۵۵}: در این نوع قرارداد دولت میزبان نیز در ریسک و خطرپذیری اکتشاف مشارکت می‌نماید با این توضیح که مشارکت دولت میزبان منوط به اکتشاف نفت در حوزه یا میدان نفتی مورد اکتشاف می‌باشد، به بیان دیگر به موجب قرارداد یا موافقت‌نامه جداگانه یا شرط ضمن قرارداد شرکت نفتی قبول می‌نماید در صورت عدم اکتشاف نفت کلیه هزینه‌های مربوط به اکتشاف را رأساً تقبل و خسارتی از دولت میزبان مطالبه نخواهد کرد لیکن در صورتی که کاوش‌های صورت گرفته به اکتشاف نفت بیانجامد از محل درآمدهای حاصل از بهره‌برداری و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی سهم دولت میزبان نیز محاسبه و مستهلک خواهد شد.^{۵۶}
- **قرارداد خدمت**^{۵۷}: قراردادهای انجام خدمت به‌ویژه در ایران برای بازسازی و نوسازی تأسیسات فرسوده میادین در حال تولید به کار گرفته می‌شود. اخیراً این نوع قراردادها در زمینه اکتشاف، توسعه و تولید هر میدانی که کشف می‌گردد، نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای قراردادهای خدمت استاندارد وجود ندارد، به‌طور کلی، پیمانکار تنها ارائه‌کننده خدمات نفتی است و دولت میزبان مالک ذخایر نفتی می‌باشد. شرکت نفتی در زمان امضای قرارداد حق امتیاز به دولت و در زمان تحقق تولید تجاری نیز بهره‌مالکانه پرداخت می‌کند. کلیه هزینه‌ها و خطرهای مرتبط با اکتشاف، توسعه و تولید با پیمانکار می‌باشد و این هزینه‌ها از طریق دریافت حق الزحمه عملیاتی و سرمایه‌ای^{۵۸} بازیافت می‌شود.^{۵۹}

55. Joint Venture Agreements.

۵۶. داریوش، مبصر؛ کالبد شکافی سرمایه‌گذاری‌های صنعت نفت، قراردادهای بیع متقابل، تهران، انتشارات کویر، چاپ دوم ۱۳۸۰، ص ۳۲ و ناصر، فرشاد گهر؛ ناصر، پیشین، ص ص ۲-۲۴۱.

57. Service Contracts.

58. Operating Fee and Capital Fee.

۵۹. مسعود، زهدی؛ پیشین، ص ص ۲۱-۲۲.

• **قرارداد بیع متقابل:** قراردادهای بیع متقابل^{۶۰} را در زمره قراردادهای انجام خدمت طبقه‌بندی می‌نمایند. در این نوع قرارداد پیمانکار مکلف است طرح‌های جامع اکتشاف^{۶۱}، ارزیابی^{۶۲} و توسعه‌ای^{۶۳} را انجام داده و پس از آنکه طرح به مرحله تولید رسید آن‌را به کارفرما تحویل دهد. در قراردادهای بیع متقابل به دولت ملی حق الامتیاز یا پاداش پرداخت نمی‌شود و شرط پرداخت بهره مالکانه وجود ندارد؛ پیمانکار (در صورتی که چند پیشنهاد دهنده وجود داشته باشد) به موجب مناقصه بر اساس پیشنهادهای فنی و مالی (نرخ بازده داخلی کمتر) انتخاب می‌گردد، و تنها محق به دریافت حق الزحمه قراردادی^{۶۴} و هزینه‌های بانکی است. باز یافت کلیه هزینه‌های تعهد و پرداخت شده یا سرمایه‌گذاری شده توسط پیمانکار، از محل عایدات و درآمدهای حاصل از تولید همان میدان می‌باشد، و نیز برای سود پیمانکار و هزینه‌های غیر سرمایه‌ای و عملیاتی^{۶۵} سقف تعیین می‌شود.^{۶۶}

این نوع قرارداد بیش از یک دهه اصلی‌ترین روش برای تأمین مالی طرح‌های نفت و گاز در ایران بوده است. در ایران، در این قرارداد، وقتی طرح بعد از طی مراحل اجرای آن، به مرحله بهره‌برداری می‌رسد، تقسیم درآمدهای تولید به این صورت است که تمام تولید ناخالص متعلق به شرکت ملی نفت ایران؛ و باز یافت هزینه‌ها و (در مواردی) پاداش، متعلق به پیمانکار (شرکت خارجی) است. معمولاً ذکر می‌شود که باید ۴۰ درصد از تولید ناخالص به خزانه دولت واریز شود و ۶۰ درصد از تولید میدان نیز برای استهلاک

60. Buy-Back.

61. MEP (Master Exploration Plan).

62. MAP (Master Appraisal Plan).

63. MDP (Master Development Plan).

64. Remuneration Fee.

65. Non Capital & Operation Costs.

۶۶. مسعود، زهدی، پیشین، صص ۲۲-۲۳.

هزینه‌های عملیات توسعه یا عملیات اکتشاف و توسعه مصرف شود.^{۶۷} در قراردادهای بیع متقابل ایران پس از آنکه طرح موضوع قرارداد به مرحله بهره‌برداری رسید، بلافاصله طبق مفاد قرارداد کلیه تأسیسات و تجهیزات به شرکت ملی نفت ایران تحویل داده می‌شود، و از این پس این شرکت به صورت اپراتور عمل می‌کند و در صورت نیاز قراردادهای دیگری که اصطلاحاً به آنها "قراردادهای همیاری فنی"^{۶۸} گفته می‌شود، در ارتباط با اداره تأسیسات مذکور بر طبق شرایط (شامل حق الزحمه‌ها) و ضوابطی که مورد توافق طرفین قرار می‌گیرد با پیمانکار برای طول مدت تولید میدان منعقد می‌گردد.^{۶۹}

در خصوص حل و فصل اختلافات در قرارداد بیع متقابل، در صورتی که پس از کشف میدان تجاری، اختلافی بر سر جزئیات طرح جامع توسعه بروز کند، حل و فصل آن به یک مرجع متخصص بین‌المللی ارجاع خواهد شد. همچنین مسائل اساسی قرارداد (نظیر سقف هزینه‌های سرمایه‌ای، دوره مرحله توسعه و دوره بازیافت سرمایه) به تصمیم یک طرف ثالث سپرده می‌شود. این قبیل شروط در قرارداد بیع متقابل، از نظر شرکت‌های نفتی خارجی پرمخاطره و نامطمئن است. این قبیل شروط در قرارداد بیع متقابل، از نظر شرکت‌های نفتی خارجی پرمخاطره و نامطمئن است و برای آنها باعث کاهش فراوان منفعت طرح است. برای مثال، در خصوص قیمت‌ها، هرگونه افزایش قیمت ناشی از تغییرات در شرایط بازار بر عهده شرکت نفتی خارجی قرار می‌گیرد؛ در حالی که شرکت‌های نفتی خارجی بر این باورند که این هزینه‌ها به نفع پروژه ایجاد گردیده و بنابراین باید برگشت‌پذیر باشند. یا در مورد سود ناشی از قیمت بالای نفت شرکت ملی

۶۷. نصرالله، ابراهیمی؛ تنوع قراردادهای بین‌المللی در صنعت نفت، مجموعه کامل سخنرانی‌های اولین کنفرانس تأمین مالی پروژه‌های صنعت نفت ۱۸ و ۱۹ آذر ماه ۱۳۸۵، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ اول ۱۳۸۶، ص ۴۴.

68. Technical Assistance.

۶۹. مسعود، زهدی؛ پیشین، ص ص ۲۳-۲۲.

نفت کشور میزبان (ایران) تنها طرفی است که از هر گونه افزایش قیمت‌های نفت و گاز سود می‌برد. این امر ناشی از این واقعیت است که حداکثر مبلغ اختصاص یافته به شرکت نفتی خارجی در هر ماه، در طول دوره بازیافت سرمایه، محدود به نرخ ثابت است. بنابراین، عواید مازاد ناشی از افزایش قیمت‌ها تنها عاید شرکت ملی نفت (ایران) خواهد گردید و شرکت خارجی (پیمانکار) از آن بی بهره خواهد بود. این در حالی است که اگر قیمت‌ها کاهش یابد، شرکت نفتی خارجی شدیداً متضرر خواهد شد، زیرا، حداکثر نفت اختصاص یافته برای برگشت سرمایه، معمولاً محدود به ۵۰ تا ۶۰ درصد تولید است. از این رو، شرکت‌های نفتی خارجی انتظار دارند از قیمت‌های بالا منتفع گردیده، به آنها اجازه داده شود تا به هنگام افزایش قیمت‌ها، نفت و گاز بیش‌تری به دست آورند. یا در خصوص هزینه‌های اضافی در طول مرحله توسعه ممکن است چندین امر پیش‌بینی نشده در ارتباط با چاه‌ها، تأسیسات سطح الارضی و مسائل دیگر پیش آید که نیاز به ایجاد تغییراتی در طرح جامع توسعه پیدا شود. چنین تغییراتی ممکن است منجر به هزینه‌های اضافی گردد، اما هرگونه هزینه اضافی که از سقف هزینه‌های سرمایه‌ای تجاوز کند، برگشت‌پذیر نخواهد بود و بر شرکت نفتی خارجی تحمیل خواهد شد. اما هزینه‌های مازاد ناشی از کار اضافی، حتی در صورت تجاوز از سقف هزینه‌های سرمایه‌ای اگر منتهی به افزایش اهداف قرارداد گردد برگشت‌پذیر خواهد بود. شرکت‌های نفتی خارجی ادعا می‌کنند که هزینه‌های ناشی از تغییرات طرح جامع توسعه، حتی اگر موجب افزایش اهداف قرارداد نگردند، باید قابل برگشت باشند. از سوی دیگر در ارتباط با مالکیت تولید در بیع متقابل، شرکت‌های نفتی خارجی نسبت به تولیدی که در سرچاه یا در نقطه صادرات به آنها اختصاص یافته، مالکیت ندارند. از این رو، ادعا می‌کنند باید بتوانند مالک نفت و گاز اختصاص یافته به آنها در تأسیسات سطح الارضی باشند؛ زیرا، این امر به آنها امکان می‌دهد تا بر اساس قواعد بین‌المللی بورس و اوراق بهادار نسبت به ثبت مخازن اقدام کنند. در خصوص مشارکت شرکت نفتی بین‌المللی در تولید اگرچه هزینه‌ها و حق الزحمه از محل درآمد

ناشی از تولید، در یک دوره زمانی معمولاً چندین سال برگشت می‌یابد، اما پس از اتمام توسعه، میدان برای مرحله استخراج به شرکت ملی نفت ایران تحویل داده خواهد شد. از این رو، هر گونه کاهش در تولید، تأثیر منفی بر شرکت نفتی خارجی خواهد داشت. در این مرحله، دیگر میدان از تخصص و سرمایه شرکت نفتی خارجی، منتفع نمی‌گردد. شرکت‌های نفتی خارجی تشکیل کمیته نظارت بر تولید را، آن گونه که در الگوی جدید پیشنهاد شده، روشی مؤثر و کارآمد برای پرداختن به مسائل و مشکلات تولید نمی‌پندارند. این شرکت‌ها ترجیح می‌دهند تا از طریق یک هیئت بهره‌برداری مشترک، مستقیماً در عملیات تولید مشارکت کنند.^{۷۰}

قسمت دوم: رفتار قراردادی شرکت‌های بین‌المللی نفتی در مقایسه با رفتار قراردادی شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی

الف) محاسبه نرخ بازگشت سود به سرمایه و مکانیزم‌های تقسیم محصول / سود پروژه در قراردادهای بالادستی نفت و گاز

هدف دولت میزبان^{۷۱} در انعقاد قراردادهای تولید نفت و گاز (قراردادهای بالادستی نفت و گاز)^{۷۲}، جذب سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌های بین‌المللی در بخش نفت و گاز

۷۰. عبدالحسین، شیروی و سید نصراله، ابراهیمی؛ اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل، ترجمه مجتبی اصغریان، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، ش ۴۱، ۱۳۸۸، صص ۲-۲۶۰؛ و

Willem J.H. van Groenendaal, Mohammad Mazraati, "A Critical Review of Iran's Buyback Contracts", Energy Policy 2006, Vol. 34, pp.3709-3713.

71. Host Government.

72. Upstream Contracts.

کشور می‌باشد، به نحوی که در آن، عملیات اکتشاف، استخراج و تولید با قبول ریسک‌های آن زیر نظر دولت یا با همکاری دولت انجام گردد. هدف شرکت نفتی سرمایه‌گذار در این شیوه از قرارداد، به دست آوردن حق اجرای عملیات نفتی در محدوده تعیین شده در قرارداد است و بسته به شیوه‌های مورد توافق، شرکت نفتی حق بهره‌برداری از تولید، سهمی از تولید یا یک منبع مشخص (که می‌تواند از محل همان تولیدات تأمین گردد) را به دست می‌آورد.^{۷۳}

زمانی که شرکت‌های نفتی اقدام به سرمایه‌گذاری در یک پروژه اکتشاف^{۷۴} و توسعه^{۷۵} می‌کنند همیشه این احتمال وجود دارد که در مرحله اکتشاف تلاش آنها ناموفق بوده و منجر به هیچ گونه تولیدی نشود. اما شرکت‌های نفتی بایستی تصمیم‌گیری کنند که آیا این پروژه در صورت اتمام موفقیت‌آمیز این مرحله و آغاز مرحله توسعه برای آنها صرفه اقتصادی دارد. هدف برنامه‌ریزی شرکت^{۷۶} هماهنگ کردن و تمرکز دادن منابع شرکت بر روی فرصت‌های قابل توجه به منظور سودآوری و رشد بیشتر است.^{۷۷}

برای تخمین ارزش مالی یک پروژه، سرمایه، درآمد حاصل از آن و نرخ استهلاک^{۷۸} لحاظ می‌گردد. به عبارت دیگر برای محاسبه ارزش مالی یک پروژه تنها احتساب درآمد

73. Bindemann, Op.Cit., p.85.

74. Exploration.

75. Development.

76. Corporate Planning.

۷۷. برای مطالعه بیشتر در خصوص استراتژی شرکت‌های نفتی در خصوص ارزیابی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در اکتشاف و توسعه منابع نفتی نگاه کنید به:

Hertz, David B, and Thomas, Howard, Risk Analysis and its Applications (New York, John Wiley & Sons, 1984), pp. 67-88.

78. Discounted Factor.

در طول عمر آن کافی نبوده و نرخ استهلاک آن پروژه نیز بایستی لحاظ گردد. در جدول شماره ۱ فرض شده است که شرکت سرمایه‌گذار مایل به سرمایه‌گذاری در یک چاه نفتی است که تخمین زده شده در طول ۵ سال آینده سالیانه ۱۰۰۰۰ دلار درآمد خواهد داشت، با احتساب نرخ استهلاک ۲۰٪، ارزش مالی این چاه نفتی و یا به عبارت دیگر قیمتی که سرمایه‌گذار حاضر به پرداخت آن است ۳۰۶۷۱ دلار می‌باشد.^{۷۹}

جدول شماره ۱: محاسبه ارزش مالی یک پروژه (فرضی)^{۸۰}

ردیف	نرخ استهلاک (%)	درآمد سالانه (\$)	ارزش فعلی (\$)
۱	۲۰٪	۱۰۰۰۰	۸۰۰۰
۲	۲۰٪	۱۰۰۰۰	۷۶۸۰
۳	۲۰٪	۱۰۰۰۰	۶۱۴۴
۴	۲۰٪	۱۰۰۰۰	۴۹۱۵
۵	۲۰٪	۱۰۰۰۰	۳۹۳۲

\$۳۰۶۷۱

به منظور تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری، چندین پروژه با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا بتوان تصمیم گرفت کدام یک از پروژه‌ها ارزش مالی بالاتری دارند. به عنوان مثال اگر مورد پایه ما یک میدان با ده عدد چاه باشد ارزش آن برای پیمانکار که در یک نرخ استهلاک متناسب محاسبه شده است با چندین سناریوی دیگر مقایسه می‌گردد، به عنوان نمونه یک میدان نفتی با سیزده عدد چاه احتمال دارد که هزینه بیشتری از یک میدان

79. Kobayashi, Op.Cit.

80. Ibid.

با ده عدد چاه داشته باشد. حفاری، تجهیزات و همچنین حمل و نقل هزینه‌های بیشتری را در سناریوی اخیر اقتضا می‌کند. با توجه به افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای^{۸۱} در این مورد هزینه‌های اجرایی^{۸۲} نیز افزایش می‌یابند.^{۸۳} عواملی که تأثیر عمده‌ای بر ارزش چاه‌های در حال تولید دارند عبارتند از شرایط مالی^{۸۴}، زمان بازپرداخت، هزینه‌ها و قیمت‌ها. در نتیجه کلیه ذخایر نفتی ارزش یکسان و برابری ندارند.^{۸۵}

شرکت‌های بین‌المللی نفتی فرصت‌های سرمایه‌گذاری را بر حسب عوامل جغرافیایی، فنی، اقتصادی (شرایط قرارداد و مالیات‌ها) و قیمت پیش‌بینی شده نفت در بازار می‌سنجند. این شرکت‌ها بر اکتشاف ذخایر نفت و گاز جدید و توسعه پروژه‌های عمده‌ای تمرکز می‌کنند که فناوری و دانش^{۸۶} آنان به ارزش آن مخازن بیافزاید. به نظر می‌رسد در حالی که شرکت‌های بین‌المللی نفتی در مذاکرات خود بر سر حوزه‌های نفتی قابل دسترسی با سهولت بیشتر و سودآور از خود انعطاف بیشتری نشان می‌دهند. این شرکت‌ها تمایلی به صرف هزینه و زمان در کشوری مانند آنگولا، که در طول ۲۰ سال گذشته در آن اکتشاف نفتی چشمگیری دیده نشده، ندارند. در واقع چنین کشورهایی محل فعالیت شرکت‌های ملی نفتی کشورهای دیگر که صرفاً تجربه فعالیت در چهارچوب کشور خود را داشته‌اند و در آغاز راه برای ورود به صحنه بین‌المللی صنعت نفت هستند، می‌باشد.^{۸۷}

81. Capital Costs "Capex".

82. Operating Costs "Opex".

83. Johnston, Daniel, "Petroleum Fiscal System Analysis —State of Play", Oil, Gas & Energy Law Journal (OGEL) 2010, Vol.8, p. 16.

84. Fiscal Terms.

85. Johnston, David and Johnston, Daniel, Introduction to Oil Company Financial Analysis, (Oklahoma, PennWell, 2006), p. 225.

86. Know-How.

87. Langenkamp, D.R., "Comments on the Draft Uganda Petroleum Bill", Oil, Gas & Energy Law Intelligence (OGEL) 2010, Vol. 8, p. 1.

زمانی که سودآوری یک قرارداد بررسی می‌گردد شرکت‌های بین‌المللی نفتی به‌طور عمده بر نرخ بازگشت سود به سرمایه خود تمرکز می‌کنند.^{۸۸} شرکت‌های مزبور این گونه تصمیم می‌گیرند که پروژه مورد نظر ارزش سرمایه‌گذاری دارد یا خیر. اگر با در نظر گرفتن ریسک‌های موجود در خصوص اکتشاف و فاصله زمانی^{۸۹} طولانی بین اکتشاف و بهره‌برداری سود تخمین زده شده حاصل از سرمایه‌گذاری در این پروژه بیشتر از سود تخمین زده شده حاصل از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دیگر باشد پروژه ارزش سرمایه‌گذاری دارد. شرکت‌های بین‌المللی نفتی همچنین به این مسئله توجه می‌کنند که شرایط قانونی مربوط به قرارداد چگونه سرمایه‌گذاری آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روش اندازه‌گیری نرخ بازگشت سود معیار مناسبی برای ارزیابی این امر است که آیا شرایط پذیرفته شده در قرارداد منجر به سود اضافی^{۹۰} برای شرکت مزبور می‌شود یا خیر. در مقام مقایسه شرکت‌های بین‌المللی نفتی به‌طور کلی پروژه‌های با نرخ بازگشت بیشتر از ۱۲٪ را یک پروژه سودآور تلقی می‌کنند. در پروژه‌های با ریسک بیشتر این شرکت‌ها می‌کوشند نرخ بازگشت را تا ۲۰٪-۱۵٪ افزایش دهند.^{۹۱}

همان‌طور که قبلاً گفته شد تصمیم به اجرای یک پروژه در صورتی اخذ می‌شود که معلوم گردد که سرمایه‌گذاری در آن پروژه سود بیشتری از سرمایه‌گذاری در جای دیگر می‌دهد. عبارت سود اضافی یا همان سود اقتصادی در صنعت نفت عبارت از تفاوت بین ارزش محصول تولید شده و هزینه‌های استخراج آن می‌باشد. این هزینه‌ها شامل هزینه اکتشاف، توسعه و هزینه‌های اجرایی و همچنین سهم کشور صاحب منابع از سود^{۹۲} به‌دست آمده به موجب یک مکانیزم تقسیم سود می‌باشد. می‌توان برای محاسبه سود شرکت

88. Ibid, p. 1.

89. Lead Time.

90. Excess Profits or Economic Rent.

91. Ibid, p. 1.

92. Government Profit or Government Take.

سرمایه‌گذار از روش ارزیابی گردش مالی پروژه^{۹۳} استفاده کرد، از این طریق سهم هر یک از طرفین قرارداد در طول عمر پروژه مشخص می‌گردد.^{۹۴} نمونه این نوع ارزیابی در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. همان‌گونه که در این جدول مشاهده می‌شود فرض‌های متعددی در خصوص تقسیم سود وجود دارد.

جدول شماره ۲: محاسبه سهم پیمانکار و دولت میزبان در فرض‌های مختلف^{۹۵}

نمونه شماره ۳			نمونه شماره ۲
نمونه شماره ۱			
درآمدهای ناخالص ^{۹۶}	۱۰۰,۰۰	۱۰۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
حق الارض (بهره مالکانه) ^{۹۷}	۱۰,۰۰-	۱۰,۰۰-	۱۰,۰۰-
٪۱۰	۹,۰۰	۹,۰۰	
درآمدهای خالص ^{۹۸}	۳۰,۰۰-	۳۰,۰۰-	۳۰,۰۰-
هزینه‌ها	۶۰,۰۰	۶۰,۰۰	۶۰,۰۰
درآمد مشمول مالیات ^{۹۹}	۲۴,۰۰-	۲۴,۰۰-	۲۴,۰۰-
مالیات بر درآمد ۴۰٪ ^{۱۰۰}	۳۶,۰۰	۳۶,۰۰	۳۶,۰۰-

93. Project Cash Flow.

94. Johnston, Daniel, International Petroleum Fiscal Systems and Production Sharing Contracts, (Oklahoma, PennWell, 1994), pp. 6 and 10-11.

95. Bush, James and Johnston, Daniel, International Oil Company Financial Management in Nontechnical Language (Oklahoma, PennWell, 1998), p. 150.

96. Gross Revenues.

97. Royalty.

98. Net Revenues.

99. Taxable Income.

گردش مالی خالص			۵۴,۰۰
پیمانکار ^{۱۰۱}			
۵۰٪ بازپرداخت قرض دولت	۱۸,۰۰۰		
به شرکت ^{۱۰۲}	۱۸,۰۰		
جریان مالی خالص قرارداد ^{۱۰۳}			
سهم دولت ^{۱۰۴}	٪۷۴,۳	٪۴۸,۶	٪۴۶
سهم پیمانکار ^{۱۰۵}	٪۲۵,۷	٪۵۱,۴	٪۵۴

در بررسی استراتژی‌های شرکت‌ها می‌توان گفت شرکت‌های بین‌المللی نفتی تمایلی به تحمل ریسک‌های اقتصادی بالا و پذیرش سودهای پایین ندارند. به عنوان مثال زمانی که

100. Income Tax.

101. Contractor Group Net Cash Flow.

۱۰۲. بازپرداخت قرض دولت به شرکت (Government Carry): در این حالت شرکت همانند یک وام‌دهنده سهم دولت از هزینه‌های اکتشاف و توسعه را پرداخت می‌کند و زمانی که پروژه به مرحله تولید رسید دولت سهم (بدهی) خود را از درآمد تولید به شرکت پرداخت می‌کند. بیش از ۴۰٪ کشورهای جهان حق مشارکت در سود در زمان اتمام موفقیت‌آمیز مرحله اکتشاف را دارند. این میزان مشارکت بین ۱۵٪ تا ۵۰٪ (به‌طور معمول ۳۰٪) می‌باشد. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Bush, and Johnston, Op.Cit., p. 151.

۱۰۳. جریان مالی قرارداد یا همان سود (Contract Net Cash Flow) حاصل کسر مجموعه هزینه‌های ناخالص از مجموعه درآمدهای ناخالص یک پروژه می‌باشد.

۱۰۴. سهم دولت (Government Take) که در قرارداد به صورت درصد مشخص می‌شود عبارت است از درآمد دولت (بهره مالکانه، مالیات‌ها، تقسیم سود/محصول، و مشارکت دولت).

۱۰۵. سهم شرکت (Contractor Take) که در قرارداد به صورت درصد مشخص می‌شود عبارت است از حاصل کسر سهم دولت از جریان مالی کل قرارداد.

منابعی که بهره‌برداری اقتصادی از آنها امکان‌پذیر به نظر بیاید در دسترس نمی‌باشند، مدیران شرکت‌های بین‌المللی نفتی ترجیح می‌دهند به جای دست زدن به فعالیت‌های اکتشافی جدید، مازاد پول نقد شرکت را به سهام‌داران برگردانند و یا آن پول را در منابع توسعه یافته^{۱۰۶} (منابعی که قبلاً کشف شده و آسان‌ترین و کارآمدترین روش برای افزایش تولید در کوتاه مدت هستند) صرف کنند. این گرایشی است که در سال ۲۰۰۶، زمانی که قیمت نفت به اوج هر بشکه ۷۰ دلار رسید، شاهد آن بودیم.^{۱۰۷} این در حالی است که یکی از استراتژی‌های شرکت‌های ملی نفتی کشور چین، به‌خصوص در اوایل دوران فعالیت‌های برون مرزیشان، این است که به سراغ منابعی بروند که تاکنون به علت مقیاس کوچک، دور بودن از لحاظ جغرافیایی و یا ناکافی بودن عواید سرمایه‌گذاری مورد توجه شرکت‌های بین‌المللی نفتی قرار نگرفته‌اند. به عنوان مثال بسیاری از اموال نفتی این شرکت‌ها در کشورهای آفریقایی در مقیاس کوچک‌تر و کیفیت پایین‌تر از آن چیزی بوده‌اند که توجه شرکت‌های بین‌المللی نفتی را به خود جلب می‌کند.^{۱۰۸} به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که فاکتور نرخ بازگشت سود به سرمایه تنها و مهم‌ترین معیار تصمیم‌گیری شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در خصوص سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی در زمینه نفت و گاز نمی‌باشد.^{۱۰۹}

همچنین شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در پذیرش شرایط قراردادی با مطلوبیت کمتر انعطاف بیشتری از خود نشان می‌دهند، برای مثال گفته شده است که در حالی که

106. Developed Resources.

107. Jaffe, Op.Cit., pp. 15 and 20.

108. Taylor, Ian C., "Chinese Involvement in Africa's Oil Industries", Oil, Gas & Energy Law Intelligence (OGEL) 2008, Vol. 6, pp. 3-4.

۱۰۹. این موضوع به تفصیل در قسمت سوم این مقاله بررسی می‌گردد.

شرکت‌های نفتی بین‌المللی از الگوی اصلاحی بیع متقابل ایران در سال ۱۳۸۲، به علت انتظارات و دغدغه‌های آنان در خصوص روش حل اختلافات، قیمت‌ها، منفعت ناشی از قیمت‌های بالای نفت، هزینه‌های اضافی، مالکیت تولید، و مشارکت شرکت نفتی بین‌المللی در تولید^{۱۱۱}، استقبال گسترده‌ای نکردند، شرکت ملی نفت چین (سی ان پی سی) یکی از دو شرکتی بود که با شرایط ایران موافقت نمود و قرارداد منعقد نمود^{۱۱۲}. این مسئله مویذ انعطاف بیشتر شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در پذیرش شرایط قراردادی می‌باشد.

ب) فعالیت‌های پایین‌دستی نفت و گاز

در رابطه با فعالیت‌های پایین‌دستی^{۱۱۳}، شرکت‌های بین‌المللی نفتی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

گروه اول، شرکت‌های بین‌المللی نفتی هستند که خود را در فعالیت‌های پایین‌دستی درگیر نمی‌کنند، به عنوان مثال در سال ۲۰۰۷ در میان ۱۲ شرکت بین‌المللی نفتی، که در آمریکا به ثبت رسیده‌اند، ۷ شرکت^{۱۱۴} به‌طور عمده صرفاً به فعالیت‌های بالادستی (فعالیت‌های اکتشاف و تولید نفت و گاز) می‌پرداختند.^{۱۱۵}

گروه دوم، شرکت‌های بین‌المللی نفتی هستند که به فعالیت‌های پایین‌دستی نیز می‌پردازند با این وجود به‌طور معمول متوجه سودآوری سرمایه‌گذاری خود هستند. به

۱۱۰. توضیحات بیشتر را نگاه کنید به در: مبحث «قرارداد بیع متقابل»، در صفحات قبل.

۱۱۱. شیروی، عبدالحسین و ابراهیمی؛ پیشین، ص ۲۶۰.

112. Downstream Operations.

113. Occidental, Devon Energy, Apache, Anadarko, EOG Resources, XTO Energy, and Chesapeake.

114. China's Thirst for Oil (2008), at www.crisisgroup.org/~media/Files/asia/north-east-asia/153_china_s_thirst_for_oil.ashx (Last visited on 24 May 2010).

عنوان مثال شرکت بین‌المللی نفتی شل^{۱۱۵} استراتژی خود را این چنین اعلام کرده است: "عمده فعالیت‌های بالادستی و فعالیت‌های پایین‌دستی سودآور"^{۱۱۶}. لذا چنین شرکت‌های بین‌المللی نفتی ممکن است به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پایین‌دستی کشورهای (عمدتاً کشورهای با اقتصاد در حال رشد آسیای شرقی) پردازند که در آن پیش‌بینی رشد در بازار تقاضا برای محصولات تصفیه شده می‌شود.^{۱۱۷} از دیگر کشورهای هدف برای فعالیت‌های پایین‌دستی این شرکت‌ها می‌تواند کشورهای خاورمیانه، که در آن دسترسی به منابع نفت خام فراوان است، باشد.^{۱۱۸}

به نظر می‌رسد شرکت‌های ملی نفتی کشور چین تمایل دارند وارد فعالیت‌های پایین‌دستی در کشورهایی شوند که شرکت‌های بین‌المللی نفتی علاقه‌ای به مشارکت در آنها ندارند. آنها در تأمین نیازهای کشورهای در حال توسعه و تولیدکننده نفت انعطاف‌پذیری و توانایی بیشتری نشان می‌دهند و لذا آسان‌تر و با شرایط مطلوبی در بخش پایین‌دستی صنعت نفت آن کشورها به فعالیت می‌پردازند.^{۱۱۹} به عبارت دیگر این شرکت‌ها بسته‌های سرمایه‌گذاری را برای کشورهای در حال توسعه فراهم می‌آورند که در بردارنده فعالیت‌های بالادستی و پایین‌دستی است و می‌تواند در جلب نظر این کشورها که نیازمند

115. Shell.

116. Shell website -Royal Dutch Shell plc March 2010 Updates on Strategy to Improve Performance and Grow, at www.shell.com/home/content/aboutshell/our_strategy/ (Last visited on 10 June 2011).

117. Shell website -Shell at a Glance (2009), at www.shell.com/home/content/aboutshell/at_a_glance/ (Last visited on 10 June 2011).

118. The Deloitte Center for Energy Solutions new report reviews, "In a World of Flux, Oil and Gas Mergers and Acquisitions Report", 2009, p.79, at www.deloitte.com/view/en_US/us/industries/oil-gas/8131e2911c254210VgnVCM100000ba42f00aRCRD.htm (Last visited on 24 May 2011).

119. Kobayashi, Op.Cit., p. 19.

سرمایه‌های خارجی در بخش پایین دستی بوده اما با عدم استقبال شرکت‌های بین‌المللی نفتی در آن بخش روبه‌رو هستند نقش مؤثری ایفا کند. به عنوان مثال یکی از عواملی که به س‌ای نوپک کمک کرد تا بتواند در رقابت با شرکت هندی^{۱۲۰} بر سر انعقاد قرارداد اکتشاف و تولید (فعالیت بالادستی) بلوک ۳۲ با دولت آنگولا پیروز گردد این بود که پذیرفت در یک پروژه مشترک با شرکت ملی نفت کشور آنگولا^{۱۲۱} برای سرمایه‌گذاری و مدیریت یک پالایشگاه (فعالیت پایین دستی) به نام سونارف^{۱۲۲} واقع در شهر لوبیتوی^{۱۲۳} کشور آنگولا شرکت کند.^{۱۲۴}

ج) ادغام با شرکت‌های خارجی و تملک سهام آنها^{۱۲۵}

اگرچه تاریخچه شرکت‌های بین‌المللی نفتی موارد فراوانی از اقدام به ادغام و تملک را در بردارد اما در سال‌های اخیر آنها به اندازه شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در این زمینه فعال نبوده‌اند.^{۱۲۶} از جولای سال ۲۰۰۸ به دنبال کاهش قیمت نفت مانع اصلی بر سر راه

120. Oil and Natural Gas Corporation Limited (ONGC).

121. Angolan National Oil Company (Sonangol).

122. Sonaref.

123. Lobito.

124. Soares de Oliveira, Recardo, "Chinese Oil companies in Africa: Very Different or More of the Same?", 2008, at

<http://www.kieas.keio.ac.jp/admin/img-X29141836.pdf> (Last visited on 10 May 2011).

۱۲۵. ادغام (Merger) استراتژی می‌باشد که بر اساس آن دو شرکت بر سر یکپارچه سازی اموال و فعالیت‌های خود بر مبنای شرایط تقریباً مساوی توافق می‌کنند. تملک (acquisition) استراتژی می‌باشد که Dictionary of Strategy-Strategic Management A-Z, (California, Sage Publications 2004), p. 106 بر اساس آن یک شرکت اموال شرکت دیگر را خریداری می‌کند. نگاه کنید به:

126. Brock, James, "Merger Mania and its Discontent: The Price of Corporate Consolidation", 2005, pp. 10-14, at multinationalmonitor.org/mm2005/072005/brock.html (Last visited on 20 April 2011).

ادغام و تملک تأمین اعتبار مالی^{۱۲۷} است، به این معنا که فراهم نمودن پول برای اجرای قراردادها دشوار شده است. اگر مالک شرکت نفتی تغییر کند وام دهندگان به آن شرکت تقاضای برگشت پول خود را می‌کنند، بنابراین خریداران احتمالی یک شرکت نه تنها باید قادر به تأمین مبلغ قرارداد باشند بلکه بایستی بتوانند ترازنامه^{۱۲۸} شرکت تملک شده را نیز تأمین مالی کنند. اگرچه شرکت‌های بین‌المللی نفتی با نقدینگی بالا نیز وجود دارند، با این وجود از اقدام به ادغام و تملک دست کشیده و ترجیح می‌دهند پول نقد خود را حفظ کرده و یا آن را به سهام‌داران بازگردانند. گروه دیگر شرکت‌های بین‌المللی نفتی نیز با احتیاط به گزینه ادغام و تملک روی می‌آورند.^{۱۲۹}

شرکت‌های ملی نفتی کشور چین فعال‌تر از شرکت‌های بین‌المللی نفتی در زمینه ادغام با شرکت‌های خارجی و یا تملک سهام آنها بوده‌اند. قراردادهایی که در طول ۲ یا ۳ سال گذشته منعقد شده است نشان می‌دهند شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در رابطه با فعالیت‌های اکتشافی محتاط‌تر شده و فعالیت‌های ادغام و تملک را به خاطر قطعیت بیشتر - و ریسک اقتصادی کمتر در آن - ترجیح می‌دهند. آنها حتی در برخی موارد مبلغ بالاتری از شرکت‌های بین‌المللی نفتی در مزایده‌ها را پیشنهاد می‌کنند تا بتوانند از رقبای خود پیشی بگیرند. یونوکال^{۱۳۰} اگرچه پیشنهاد ناموفقی بود^{۱۳۱} اما مثال خوبی در این خصوص است،

127. Availability of Credit.

128. Balance Sheet.

129. The Deloitte Centre reviews, Op.Cit., p. 6.

130. Unocal.

۱۳۱. به علت مخالفت‌های سیاسی در آمریکا در خصوص این ادغام، کنگره آمریکا آن را ممنوع اعلام کرد؛ برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

Chow, Gregory C, China's Economic Transformation (London, Blackwell Publishing, second edition 2007), p. 324, and Downs, Erica S., "China", 2006, p. 43, at www.brookings.edu/~media/Files/rc/reports/2006/12china/12china.pdf (Last visited on 1 May 2011).

زیرا، مبلغ پیشنهادی توسط سی نوک برای خرید شرکت آمریکایی یونوکال به‌طور قابل توجهی بالاتر از شرکت نفتی بین‌المللی رقیب شورون^{۱۳۲} - بود.^{۱۳۳}

سقوط قیمت نفت در سال ۲۰۰۸، فرصت خوبی را برای شرکت‌های ملی نفتی کشور چین به‌وجود آورد تا آنها دارایی شرکت‌های نفتی خارجی را با قیمت‌های پایین‌تری خریداری کنند. البته، موفقیت این شرکت‌ها در این زمینه تنها به خاطر کاهش قیمت‌ها نبود، بلکه داشتن پول نقد نیز مزیت عمده دیگری است که این شرکت‌های نفتی نسبت به سایر رقبای خود داشته‌اند.^{۱۳۴}

ذکر این نکته حائز اهمیت است که شرکت‌های ملی نفتی کشور چین معمولاً سهام شرکت‌ها را در ازای پرداخت پول نقد و نه از طریق معاوضه دارایی،^{۱۳۵} تملک می‌کنند. برای مثال شرکت‌های مذکور، طی نه ماه نخست سال ۲۰۰۹، بیش از ۱۵ میلیارد دلار در این فعالیت‌ها صرف کرده‌اند. به نظر می‌رسد که این نحوه پرداخت مزیت‌هایی را نسبت به روش معاوضه دارایی برای شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در رقابت با شرکت‌های نفتی بین‌المللی به همراه داشته است.^{۱۳۶}

شرکت‌های ملی نفتی کشور چین اعلام کرده‌اند که در جستجوی خود برای کسب اموال نفت و گاز بین‌المللی به فعالیت‌های ادغام و تملک ادامه خواهند داد. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۵ سی ان پی سی اعلام کرد که در نظر دارد بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۲ در

132. Chevron.

133. ERA Report, Op.Cit., p. 4.

134. The Deloitte Centre Reviews, Op.Cit.

135. Equity Swap.

136. Nijoka, Dale, "Chinese NOCs Step up the Hunt for Overseas Assets", 2009, p. 1, at [http://www.ey.com/Publication/vwLUAssets/Q3_2009_NOC_Monitor/\\$File/National %20oil%20company%20monitor%20Q3%202009.pdf](http://www.ey.com/Publication/vwLUAssets/Q3_2009_NOC_Monitor/$File/National%20oil%20company%20monitor%20Q3%202009.pdf) (Last visited on 5 March 2011).

منابع نفت و گاز خارجی ۱۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری داشته باشد.^{۱۳۷}
 جدول شماره ۳: نمونه‌هایی از تملک سهام شرکت‌های خارجی توسط شرکت‌های ملی
 نفت کشور چین در سال‌های اخیر

ارزش	شرکت هدف	درج	نام شرکت
۱,۵ میلیارد دلار	۳۵٪ سهام شرکت توسعه نفت شل - سوریه ^{۱۳۹}	۲۰۱۰	سی ان پی سی ^{۱۳۸}
۳,۱ میلیارد دلار	۵۰٪ سهام شرکت بریداس (شرکت فرعی گروه انرژی بریداس که مقر آن در کشور آرژانتین می‌باشد). ^{۱۴۱}	۲۰۱۰	سی نوک ^{۱۴۰}

137. Lewis, Op.Cit., p. 20.

138. Xinhua news agency -CNPC Acquires 35% Interest in Shell's Syria Subsidiary, 19 May 2010, at news.xinhuanet.com/english2010/china/2010-05/19/c_13303425.htm (Last visited on 24 May 2010).

139. 35% Syria-Shell Petroleum Development (SSPD).

140. Murchie, Kay, "CNPC Acquires 35% Stake in Syria Shell Petroleum Development", 2010, at www.oilmarketer.co.uk/2010/05/19/cnpc-acquires-35-stake-in-syria-shell-petroleum-development/ (Last visited on 15 July 2011).

141. Bidas Corporation, subsidiary of Argentina-based Bidas Energy Holdings (BEH).

شریک ۵۰٪ با شرکت شل در قیمت ۴,۷ میلیارد دلار	شرکت استرالیایی انرژی ارو ^{۱۴۳}	۲۰۱۰	پتروچاینا ^{۱۴۲}
۴,۷ میلیارد دلار	۹٪ سهام شرکت کانادایی سینکروود ^{۱۴۵}	۲۰۱۱	سای نوپک ^{۱۴۴}
۲,۲ میلیارد دلار	۱۰۰٪ سهام شرکت کانادایی دی لایت انرژی ^{۱۴۷}	۲۰۱۱	سای نوپک ^{۱۴۶}

142. Smith, Peter, "Arrow Shares Halted as Takeover Talks Continue", 2010, at www.ft.com/cms/s/0/4c25c142-3303-11df-bf5f-00144feabdc0.html (Last visited on 13 June 2011); CNPC website -PetroChina Acquired Australian Arrow Jointly with Shell (2010), at www.cnpc.com.cn/en/press/newsreleases/PetroChina_Acquired_Australian_Arrow_Jointly_with_Shell.htm (Last visited on 11 October 2011).

143. Australian coal-seam gas producer Arrow Energy.

144. Wang Xiacong, "More Chinese Oil Giants Wearing a Maple Leaf", 2011, report at <http://english.caixin.com/2011-11-22/100330378.html> (Last visited on 24 Feb 2012).

145. 9% stake in Syncrude Canada Ltd.

146. Sinopec Delivered Buyout of Daylight Energy, 2011, report at <http://www.sinocast.com/readbeatarticle.do?id=69141> (Last visited on 24 Feb 2012).

۱۴۷. Daylight Energy Ltd یک شرکت کانادایی است که در زمینه اکتشاف نفت فعال می‌باشد؛ این شرکت در سال ۲۰۰۴ وارد بورس سهامی عام تورنتو شد، اموال آن به‌طور عمده در ۶۹ میدان نفت و گاز در شمال غربی آلبرتا و شمال شرقی بریتیش کلمبیا واقع است. شایان ذکر است که این برای اولین بار است که یک شرکت تحت مالکیت دولت چین موفق به تملک ۱۰۰٪ سهام یک شرکت تولید کننده نفت و گاز کانادایی می‌شود.

قسمت سوم: دلایل زیربنایی رفتار قراردادی شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در سرمایه‌گذاری‌های برون مرزی
الف) اهداف شرکت‌های ملی نفت کشور چین

اهداف شرکت‌های ملی نفت کشور چین را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم نمود: اول، اهداف تجاری که در اکثر موارد مشابه اهداف شرکت‌های بین‌المللی نفتی بوده، و همان کسب سود اقتصادی در طولانی مدت می‌باشد، دوم، اهداف شرکتی شرکت‌های ملی مزبور که رفتار قراردادی آنها را متمایز از شرکت‌های نفتی بین‌المللی می‌کند، اهم این اهداف عبارتند از گسترش فعالیت‌ها و حسن شهرت در عرصه بین‌المللی، و تحصیل دانش و تجربه.^{۱۴۸} از آنجایی که شرکت‌های ملی نفتی کشور چین فعالیت‌های برون مرزی خود را دیرتر از شرکت‌های بین‌المللی نفتی آغاز کرده‌اند و لذا امکان دسترسی به بسیاری از منابع برای آنها وجود ندارد، شرکت‌های ملی نفت کشور چین به دنبال جبران عقب ماندگی خود در رقابت در صحنه جهانی می‌باشند. به عبارت دیگر سود دهی در کوتاه مدت تنها محرک شرکت‌های ملی نفتی کشور چین نیست، به‌خصوص آنکه این شرکت‌ها می‌توانند فارغ از دغدغه سهام‌داران و درخواست سودآوری در کوتاه مدت، به فعالیت‌های خود دست زنند. این در حالی است که سهام‌داران شرکت‌های بین‌المللی نفتی خواستار بازگشت سود بیشتر به سهام خود هستند و شرکت‌های مزبور نیز، با این دیدگاه که اقتضای بازار این چنین است، به افزایش پرداخت عواید به سهام‌داران می‌پردازند.^{۱۴۹} به عنوان مثال

148. Jaffe, Op.Cit., p. 10; See more information at Stevens, Paul, Oil Wars: Resource Nationalism and the Middle East, pp. 20-1 in Andrews-Speed, Philip (ed.), International Competition for Resources: The Role of the Law, the State and of Markets (Dundee, Dundee University press; 2008), p. 11.

149. Jaffe, Op.Cit., pp. 25-6.

در سال ۲۰۰۵ شرکت‌های بین‌المللی نفتی در حالی که ۵۴ میلیارد دلار صرف سرمایه‌گذاری‌های خود کردند، ۷۱ میلیارد دلار به سهام‌داران خود بازگرداندند (۳۱ میلیارد دلار در قالب افزایش عواید سهام و ۴۰ میلیارد دلار در قالب بازخرید سهام).^{۱۵۰} در ذیل دو هدف بسیار عمده شرکت‌های نفتی چینی یعنی تبدیل شدن به یک شرکت نفتی با حسن شهرت بین‌المللی، دستیابی به منابع نفت و گاز برون مرزی و کسب دانش و تجربه، توضیح داده می‌شوند.

۱. تبدیل شدن به یک شرکت نفتی با حسن شهرت بین‌المللی و دستیابی به منابع نفت و گاز برون مرزی

شرکت‌های ملی نفت کشور چین نگران هستند که در آینده از حمایت دولتی کمتری بهره‌مند گردند، تعهدات دولت چین در قبال سازمان تجارت جهانی^{۱۵۱} این دولت را وادار به آزادسازی ورود سرمایه‌گذاران خارجی به بخش صنعت نفت آن کشور می‌کند. به این ترتیب رقابت و مالکیت خصوصی در بازار داخلی افزایش یافته و قدرت شرکت‌های ملی نفتی کشور چین را کاهش می‌دهد. لذا شرکت‌های ملی مزبور قصد رقابت با شرکت‌های نفتی بین‌المللی بر سر تصرف و جذب بازار سرمایه آسیا، که به‌طور عمده از اشخاص (از جمله اشخاص سرمایه‌گذار با ملیت چینی) تشکیل می‌شود، را دارند. در همین راستا، تصور شرکت‌های ملی نفتی کشور چین این است که این سرمایه‌گذاران شرکت‌های نفتی بین‌المللی را به علت شهرت بیشتر آنها ترجیح دهند. در واقع یکی از انگیزه‌های شرکت سی نوک در تلاش برای خرید یونوکال به‌دست آوردن اطمینان سرمایه‌گذاران از طریق

150. Stevens, Paul, "The Coming Oil Supply Crunch", 2009, p.22, at www.chathamhouse.org.uk/files/11937_0808oilcrunch.pdf (Last visited on 1 October 2011).

151. World Trade Organization (WTO).

انجام یک چنین ادغام موفق با یک شرکت خارجی دارای حسن شهرت نزد افکار عمومی مردم چین بود.^{۱۵۲}

از طرف دیگر منابع داخلی کشور چین محدود و دارای کیفیت پایین هستند، بر خلاف شرکت‌های نفتی کشورهای عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)^{۱۵۳}، شرکت‌های ملی نفتی کشور چین تنها خریدار نفت هستند و در داخل کشور به‌طور عمده در بخش پایین‌دستی فعالیت می‌کنند. شانس کمی که این شرکت‌ها به گسترش فعالیت‌های بالادستی در داخل کشور خود دارند تمایل آنها را به گسترش فعالیت خود در عرصه بین‌المللی برای اخذ منابع نفت و گاز توجیه می‌کند. به عبارت دیگر از آنجا که منابع نفت و گاز عامل حیاتی این شرکت می‌باشند، اندیشه بقای طولانی مدت شرکت‌های ملی نفتی کشور چین گسترش بین‌المللی آنها را اقتضا می‌کند.^{۱۵۴}

۲. کسب دانش و تجربه

اگرچه شرکت‌های ملی نفتی کشور چین ده‌ها سال در درون کشور خود به تولید نفت پرداخته‌اند،^{۱۵۵} اما تجربه فعالیت‌های بین‌المللی آنها تنها محدود به بیست سال گذشته است، لذا ادغام با شرکت‌های خارجی و یا تملک سهام آنها راه اصلی برای شرکت‌های ملی نفت کشور چین جهت کسب مهارت‌های عملی، تکنولوژی پیشرفته، تجارب مدیریتی و کانال‌های بازاریابی شرکت‌های تصاحب شده است. از این طریق این امکان برای

152. Ma, and Andrews-Speed, Op.Cit., p. 6.

153. Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC).

154. Johnston, David and Johnston, Daniel, Op.Cit., p. 186.

155. Andrews-Speed, Philip, China's Energy Role in the Middle East and Prospects for the Future, Paper presented to the National Bureau of Asian Research (nbr) fifth annual Energy Security Conference, The New Energy Silk Road: The Growing Asia-Middle East Energy Nexus, Washington, D.C., 2009.

شرکت‌های ملی مزبور فراهم می‌آید تا با بانک‌ها و شرکت‌های حقوقی و حسابرسی بین‌المللی از نزدیک آشنا شوند و با شرکت‌های بین‌المللی نفتی شراکت‌های استراتژیک داشته باشند.^{۱۵۶} همان‌طور که قبلاً گفته شد شرکت سی نوک در سال ۲۰۰۵ کوشید تا شرکت آمریکایی یونوکال را خریداری کند که این امر با مخالفت کنگره آمریکا مواجه شد یکی از دلایل مخالفت که از سوی آن کنگره در این خصوص ایراد شد انتقال تکنولوژی شرکت یونوکال در زمینه حفاری و توسعه در اعماق دریا به شرکت چینی (که فاقد این تکنولوژی است) در صورت تحقق این خرید بود.^{۱۵۷} از این مثال می‌توان به وضوح اهمیت بالای دستیابی به تکنولوژی پیشرفته برای شرکت‌های ملی نفتی کشور چین از طریق ادغام با شرکت‌های خارجی و یا تملک سهام آنها را دریافت.

(ب) اهداف دولت چین

شرکت‌های ملی نفت کشور چین در تحقق اهداف دولت چین نیز نقش بازی می‌کنند، مهم‌ترین این اهداف عبارتند از امنیت تأمین انرژی کشور چین^{۱۵۸}، درآمدهای مالیاتی و اشتغال‌زایی.

۱. امنیت تأمین انرژی کشور چین

همان‌طور که قبلاً گفته شد با وجود رشد اقتصادی و صنعتی کشور چین، منابع نفت و گاز این کشور برای تقاضای داخلی آن کافی نمی‌باشد،^{۱۵۹} در نتیجه وضعیت امنیت تأمین

156. Ma, and Andrews-Speed, Op.Cit., p. 6.

157. Chow, Op.Cit., p. 324.

158. China's Security of Energy Supply.

۱۵۹. پیش‌بینی می‌شود که کشور چین تا سال ۲۰۳۵ رشد تقاضای انرژی ۲ درصدی را تجربه کند که به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از رشد تقاضای انرژی در کشورهای توسعه یافته همچون ایالات متحده آمریکا (۰,۲٪) و ژاپن (۰,۵٪) می‌باشد. نگاه کنید به:

انرژی کشور چین به اندازه‌ای برای دولت آن کشور حائز اهمیت است که نمی‌تواند آن را به جریان بازار^{۱۶۰} بسپارد.^{۱۶۱} لذا دولت چین خود را ملزم به هدایت جریان سرمایه‌گذاری به پروژه‌هایی می‌داند که وابستگی کشور چین به انرژی را کاهش می‌دهند. شرکت‌های ملی نفتی کشور چین موظف‌اند تا به امنیت تأمین انرژی کشور از طریق متنوع سازی منابع تأمین نفت و گاز^{۱۶۲} و ایجاد کنترل بیشتر بر منابع خارجی کمک کرده و از این طریق، آسیب‌پذیری اقتصاد کشور در برابر تعلیق یا انقطاع تأمین نفت و گاز و یا افزایش ناگهانی قیمت‌ها را کمتر سازد.^{۱۶۳} به عنوان مثال کشور چین به منظور افزایش امنیت انرژی خود، یک تفاهم‌نامه همکاری در زمینه گاز با ایران امضا نموده است. این تفاهم‌نامه در آبان سال ۱۳۸۳، به ارزش صد میلیارد دلار امضا شد و "قرارداد قرن" لقب گرفت. بر اساس این توافق ایران سالانه ۱۰ میلیون تن گاز طبیعی مایع شده به مدت ۲۵ سال به چین صادر خواهد کرد و در ازای آن شرکت ملی نفت چین، در پروژه‌های اکتشاف، حفاری، احداث

World Energy Outlook (Paris, International Energy Agency/IEA Publication 2011), p. 74.

160. Market.

161. Herberg, Mikal E., "Asia's Energy Insecurity: Cooperation or Conflict?", Strategic Asia 2004-05, p. 301, at [http://kms1.isn.ethz.ch/serviceengine/Files/ISN/29359/chaptersection_singledocument/DDBFFEFF-D366-](http://kms1.isn.ethz.ch/serviceengine/Files/ISN/29359/chaptersection_singledocument/DDBFFEFF-D366-4390-B7B2-BD7355C373D8/en/Energy_Insecurity_Cooperation.pdf)

4390-B7B2-BD7355C373D8/en/Energy_Insecurity_Cooperation.pdf (Last visited on 30 April 2011).

162. Diversification of Oil and Gas Resources.

163. Andrews-Speed, Philip, Liao, Xuanli, and Dannreuther, Roland, The Strategic Implications of China's Energy Needs, (London, The International Institute for Strategic Studies, 2002), p. 25.

خط لوله و پتروشیمی در ایران مشارکت خواهد کرد.^{۱۶۴}

همچنین شایان ذکر است یکی از دلایل اساسی افزایش سرمایه‌گذاری‌های شرکت سی نوک و شرکت سای نوپک در دهه ۹۰ در کشورهای آسیای میانه تلاش دولت چین برای گسترش انتقال نفت و گاز از آن منطقه از مسیرهای زمینی به کشور چین می‌باشد.^{۱۶۵} به عنوان مثال در سال ۲۰۰۷ شرکت سی ان پی سی یک قرارداد تقسیم محصول/سود با وزارت انرژی میانمار به منظور اجرای پروژه‌های اکتشافی در بلوک‌های فراساحلی با عمق زیاد امضا نمود، اندکی بعد قرارداد احداث خط لوله انتقال نفت چین- میانمار با هزینه‌ای بالغ بر ۱٫۵ میلیارد دلار و خط لوله انتقال گاز چین- میانمار با هزینه‌ای بالغ بر ۱ میلیارد دلار که در سال ۲۰۰۹ آغاز شد و قرار است تا سال ۲۰۱۳ پایان یابد امضا گردید. در این پروژه شرکت سی ان پی سی ۵۰٫۹ درصد و شرکت نفت و گاز میانمار ۴۹٫۱ سهم دارد و مسئولیت اجرای پروژه را نیز شرکت سی ان پی سی بر عهده دارد. احداث این خط لوله کشور چین را قادر می‌سازد تا حد زیادی از وابستگی خود به انتقال نفت و گاز از خاورمیانه که از طریق حمل دریایی تانکرها انجام می‌گیرد بکاهد.^{۱۶۶}

۲. درآمدهای مالیاتی و اشتغال‌زایی

درآمد حاصل از مالیات^{۱۶۷} وارده بر شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در حدود ۲۵

۱۶۴. سعید، میرترابی؛ مسائل نفت ایران، پیشین، ص ۲۰۶.

165. Russian Government News -Asia National Oil Companies: Overseas Acquisitions to Secure Future Energy Needs, 24th October 2010, at russiagov.co.cc/?p=251 (Last visited on 20 November 2011).

166. Xu, Xiaojie, "Chinese NOC's overseas strategies: Background, Comparison and Remarks", 2007, p. 4, at www.rice.edu/energy/publications/docs/NOCs/Papers/NOC_ChineseNOCs_Xu.pdf (Last visited on 25 October 2011).

167. Tax Revenue.

درصد درآمد مالی دولت مرکزی چین را تأمین می‌کند. لذا موفقیت این شرکت‌ها در صحنه بین‌المللی منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی دولت چین می‌گردد.^{۱۶۸}

فعالیت شرکت‌های ملی نفتی کشور چین همچنین نقش مهمی از لحاظ اجتماعی-اقتصادی برای کشور چین بازی می‌کند و آن اشتغال‌زایی برای جمعیت عظیم آن کشور است. امروزه صدها هزار نفر چینی در این شرکت‌ها و شرکت‌های تابعه آنها مشغول به کار هستند.

ج) حمایت مالی دولت چین از شرکت‌های ملی نفت کشور چین

دولت چین بر این باور است که نتیجه این حقیقت که شرکت‌های ملی نفت کشور چین دیرتر از اغلب شرکت‌های نفتی بین‌المللی وارد عرصه تجارت بین‌المللی نفت شده‌اند ناتوان بودن شرکت‌های ملی مزبور در رقابت بر سر منابع نفت و گاز جهانی است.^{۱۶۹} لذا دولت چین به تأمین حمایت مالی برای این شرکت‌ها پرداخته است.^{۱۷۰}

دولت چین به شرکت‌های ملی نفت کشورش با فراهم آوردن سرمایه فراوان و ارزان از طریق بانک‌های دولتی خود کمک می‌کند.^{۱۷۱} کشورهای سوسیالیست سابق و اقتصادهای

168. Ma, and Andrews-Speed, Op.Cit., p. 3.

۱۶۹. شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در زمینه فعالیت‌های برون مرزی تنها از اوایل دهه ۱۹۹۰ فعالیت داشته‌اند در حالی که بعضی از شرکت‌های نفتی بین‌المللی بیش از یک قرن به این فعالیت مشغول بوده‌اند.

170. Downs, Erica S, "The Fact and Fiction of Sino-African Energy Relations", China Security, 2007, Vol. 3 No.3, p. 50.

171. Christie, Edward H. (ed.), Francois, Joseph, Urban, Waltraut and Wirl, Franz, "China's Foreign Oil Policy:

Genesis, Deployment and Selected Effects", 2010, p. 24, at http://www.fiw.ac.at/fileadmin/Documents/Publikationen/Studien_II/SI03.Studie.China__s_oil.pdf (Last visited on 28 April 2011).

در حال تغییر، ملزم کردن بانک‌های دولتی به اعطای وام‌هایی، که احتمال سودآوری پایین دارند، امری رایج است.^{۱۷۲} در همین راستا دولت چین در سال ۱۹۹۴ سه بانک به منظور اعطای وام به شرکت‌های دولتی در راستای تحقق سیاست‌های اقتصادی خاص دولت چین تأسیس نمود. بانک‌های مزبور عبارتند از: بانک توسعه چین^{۱۷۳}، بانک توسعه کشاورزی^{۱۷۴}، و بانک واردات-صادرات^{۱۷۵}. این بانک‌های تجاری تخصصی (متخصص در زمینه قراردادهای تجاری)، تحت مالکیت دولتی می‌باشند.^{۱۷۶}

این حمایت مالی در برخی موارد باعث مزیت‌های قابل توجهی برای شرکت‌های ملی نفتی کشور چین در رقابت با شرکت‌های نفتی بین‌المللی می‌شود، زیرا، پروژه‌های سرمایه‌گذاری در بخش منابع طبیعی مشخصاً نیاز به تعهدات مالی عظیم و طولانی مدت دارد.^{۱۷۷}

اگرچه به علت اینکه اطلاعات در اختیار عموم محدود است، نمی‌توان به‌طور دقیق تعیین کرد که بانک‌های دولتی کشور چین تا چه حدی به شرکت‌های ملی نفت کشور به دست آوردن اموال نفتی کمک مالی می‌کنند،^{۱۷۸} با توجه به اینکه وظیفه این بانک‌ها

172. Evans, Peter C., and Downs, Erica S., "Untangling China's Quest for Oil through State-Backed Financial Deals", 2006, p. 4 at

<http://www.brookings.edu/comm/policybriefs/pb154.pdf> (Last visited on 28 March 2011).

173. China's Development Bank (CDB).

174. Agricultural Development Bank.

175. China Export-Import Bank (Exim Bank).

176. Chow, Op.Cit., pp. 73 and 236.

177. Christie, Op.Cit.

178. Evans, and Downs, Op.Cit., p. 4.

اجرای سیاست‌های دولت است^{۱۷۹} لذا هر چه منافع دولت چین در تصاحب اموال نفتی برون مرزی بیشتر می‌باشد بانک‌های دولتی نیز کمک بیش‌تری برای این منظور به شرکت‌های مزبور می‌کنند.^{۱۸۰}

گفته شده است که به شرکت‌های ملی نفت کشور چین وام‌هایی با شرایط امتیازی داده می‌شود. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۴ کمیسیون اصلاح و توسعه ملی چین^{۱۸۱} و بانک واردات-صادرات چین اعلام کردند که این بانک قسمتی از بودجه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^{۱۸۲} خود با نرخ بهره حداقل ۲ درصد (که به‌طور قابل توجهی پایین‌تر از ۴٫۶۸ درصد معمول برای وام‌های تجاری است) را به پروژه‌های سرمایه‌گذاری برون مرزی که دولت آنها را تشویق می‌کند، از جمله توسعه منابع نفت و گاز، تخصیص می‌دهد.^{۱۸۳}

حمایت مالی از سوی بانک‌های دولتی چین را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول، توسعه کلی اعتبارات به شرکت‌های ملی نفتی کشور بدون اختصاص دادن آن به موارد سرمایه‌گذاری خاص است.^{۱۸۴} به عنوان مثال در سال ۲۰۰۶ بانک واردات-صادرات کشور چین اعتباراتی را تا سقف ۱٫۲ میلیارد دلار برای سی‌ان‌پی‌سی و شرکت فرعی آن، پتروچاینا، به منظور فعالیت‌های اکتشاف و توسعه منابع برون مرزی فراهم کرده است.^{۱۸۵} مثال دیگر تشکیل شراکت بین سی‌ان‌پی‌سی و بانک توسعه چین در سال ۲۰۰۹

179. China Exim Bank -Annual Report 2004, p. 13, at english.eximbank.gov.cn/ (Last visited on 28 March 2011).

180. Downs, "The Fact and Fiction of Sino-African Energy Relations", Op.Cit., p. 52.

181. National Development and Reform Commission (NDRC).

182. Foreign Direct Investment (FDI).

183. Ibid, p. 41.

184. Ibid, p. 53.

185. Evans, and Downs, Op.Cit., p. 3.

برای کمک به سرمایه‌گذاری در راستای استراتژی توسعه برون مرزی به منظور امنیت تأمین انرژی کشور چین است. به موجب آن بانک مزبور به این شرکت در طول پنج سال ۳۰ میلیارد دلار با نرخ بهره کاهش یافته قرض می‌دهد.^{۱۸۶}

دسته دوم، حمایت مالی از سرمایه‌گذاری‌های خاص است. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۶ سی نوک، یک وام ده ساله به مبلغ ۱٫۶ میلیارد دلار با نرخ بهره ۴٫۵ درصد از بانک واردات-صادرات چین به منظور کمک به سرمایه‌گذاری در توسعه میدان نفتی آکپو^{۱۸۷} در کشور نیجریه دریافت کرد.^{۱۸۸}

186. CNPC Borrows \$30 bln for Acquisitions, 2009, at http://news.xinhuanet.com/english/2009-09/10/content_12027863.htm (Last visited on 25 June 2011).

187. Akpo.

188. Downs, "The Fact and Fiction of Sino-African Energy Relations", Op.Cit., p. 53.

نتیجه‌گیری

کشور چین علی‌رغم اینکه کشوری با اقتصاد نسبتاً بسته بوده است، به نظر می‌رسد به شدت در تکاپوی ورود به بازار پر منفعت باز و سرمایه‌ای بین‌المللی نفت و گاز می‌باشد. این کشور با جمعیت و ضریب رشد اقتصادی بالا از یک سو و منابع نفت و گاز محدود از سوی دیگر، در صدد تأمین حداکثر امنیت انرژی خود می‌باشد. کشور چین، به منظور تحقق این اهداف عمده، شرکت‌های نفتی خود (که شرکت‌های ملی می‌باشند) را وارد صحنه بین‌المللی صنعت نفت و گاز نموده است. صحنه‌ای که شرکت‌های نفتی بین‌المللی با قدمتی بیش از یک قرن فعالیت و سرمایه‌های حجیم در آن حضور دارند. ورود و فعالیت برای شرکت‌های نفتی نوظهور که در مراحل اولیه رقابت در زمینه فعالیت‌های برون مرزی نفتی قرار گرفته‌اند پیچیدگی‌های خود را دارد. موفقیت در این زمینه نیازمند دو وسیله اساسی یعنی دانش و تجربه و پول و تأمینات مالی می‌باشد.

شرکت‌های ملی نفتی کشور چین به منظور تبدیل شدن به شرکت‌های نفتی با حسن شهرت بین‌المللی، تملک منابع نفت و گاز برون مرزی، دسترسی به دانش و تکنولوژی پیشرفته، کسب تجارب مدیریتی و کانال‌های بازاریابی تکاپو و فعالیت بیشتری در زمینه ادغام با شرکت‌های خارجی و یا تملک سهام شرکت‌های مزبور را داشته و پروژه‌های با سود پایین‌تر و ریسک اقتصادی بالاتر را بر عهده می‌گیرند.

به منظور تأمین مالی این شرکت‌ها، دولت چین از طریق بانک‌های خود پول با تسهیلات قابل توجهی که برای شرکت‌ها صرفه اقتصادی تشویق کننده داشته باشد در اختیار آنها قرار می‌دهد. به علت این حمایت مالی، شرکت‌های ملی نفت کشور چین، در صورت وجود شرایط رقابتی، نرخ بازگشت سود پایین‌تری نسبت به شرکت‌های بین‌المللی نفتی را در قراردادهای بالادستی و پایین‌دستی می‌پذیرند. همچنین این شرکت‌ها تمایل بیشتر به پرداخت قیمت‌های بالاتر در ادغام با شرکت‌های خارجی و یا تملک سهام شرکت‌های مزبور را دارند. این رفتار ممکن است در مورد اموال نفتی که از اهمیت

استراتژیک برخوردار هستند تشدید گردد.

در نتیجه می‌توان گفت در حالی که اولویت اصلی شرکت‌های نفتی بین‌المللی به حداکثر رساندن سود آن شرکت‌ها در کوتاه مدت به منظور برگرداندن عواید قابل توجه به سهام‌داران است و لذا رفتار قراردادی آنها بر مبنای فرصت، هزینه و ریسک می‌باشد، رویکرد شرکت‌های ملی نفتی کشور چین فاکتورهای دیگری (امنیت تأمین انرژی کشور چین و تبدیل شدن به شرکتی با حسن شهرت بین‌المللی) را نیز در کنار نرخ بازگشت سود به سرمایه دربر دارد که منجر به رفتار قراردادی اختصاصی این شرکت‌ها در سرمایه‌گذاری‌های برون مرزی آنان می‌شود.

منابع

الف) فارسی

۱. فرشادگهر، ناصر؛ سیری در قراردادهای نفتی در ایران، تهران، پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۱.
۲. رحمانی، علی اکبر؛ فرهنگ واژگان نفت و گاز، تهران، آفتاب اندیشه، ۱۳۸۸.
۳. مبصر، داریوش؛ کالبد شکافی سرمایه‌گذاری‌های صنعت نفت، قراردادهای بیع متقابل، تهران، انتشارات کویر، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۴. میرترابی، سعید؛ مسائل نفت ایران، تهران، نشر قومس، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۵. زهدی، مسعود، روش‌های مالی و حسابداری در قراردادهای بین‌المللی صنعت نفت و گاز بخش بالادستی، جلد سوم، تهران، انتشارات نویسندگان نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۸۸.

ب) لاتین

27. Andrews-Speed, Philip (ed.), International Competition for Resources: The Role of the Law, the State and of Markets, (Dundee, Dundee University press; 2008).
28. Andrews-Speed, Philip, and Dannreuther, Roland, China, Oil and Global Politics, (London, Routledge, 2011).
29. Andrews-Speed, Philip, Liao, Xuanli and Dannreuther, Roland, The Strategic Implications of China's Energy Needs, (London, The International Institute for Strategic Studies, 2002).
30. Beredjick, Nicky and Walde, Thomas (eds), Petroleum investment policies in developing countries, (London, Graham & Trotman, first edition 1988).
31. Bindemann, Kirsten, Production Sharing Agreements: An Economic Analysis,

- (Oxford, Oxford Institute for Energy Studies, WPM 25, 1999).
32. Bush, James and Johnston, Daniel, International Oil Company Financial Management In Nontechnical Language, (Oklahoma, PennWell, 1998).
33. Chow, Gregory C, China's Economic Transformation (London, Blackwell Publishing, second edition 2007).
34. Duval, C., et al., International Petroleum Exploration and Exploitation Agreements: Legal, Economic and Policy Aspects (New York, USA: Barrows, second edition 2009).
35. Hertz, David B, and Thomas, Howard, Risk Analysis and its Applications (New York, John Wiley & Sons, 1984)
36. Johnston, Daniel, International Petroleum Fiscal Systems and Production Sharing Contracts, (Oklahoma, PennWell, 1994).
37. Johnston, David and Johnston, Daniel, Introduction to Oil Company Financial Analysis, (Oklahoma, PennWell, 2006).